



یاران ما



سایت فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

Saturday November 22 , 108

yaranema@yahoo.com

شنبه 2/9/1387

جنبش فدائیان خلق ایران

انتخابی آگاهانه

فراکسیون کمونیستی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

1387-08-20

ما افتخار می کنیم که از نسل فدائیان، از باقیماندگان، از پیروان و ادامه دهندگان راه آن فدائیان قهرمانی هستیم که جانهای عزیز و پاکشان را در راه رهایی خلق از زیر ستم سرمایه، در راه رهایی از نیرنگ و حقه بازیهای رژیم پلید شاهنشاهی، خرافه پرستیها و موهوم ستائیهای رژیم متحجر ملایان و در راه برقراری عدالت اجتماعی فدا کردند.

جنبش فدائیان خلق ایران

انتخابی آگاهانه

فراکسیون کمونیستی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کتاب چریک های فدایی خلق (از نخستین کنش ها تا بهمن ۱۳۵۷)، که توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با انتشار بسیار بالائی به چاپ رسیده است، داری ویژه گی های خاصی است که، باید علل و اهداف انتشار این کتاب در مقطع کنونی جنبش کمونیستی، چه در سطح جهانی و چه در مقیاس ایران که بعد از رفع بحران تخریب سوسیالیسم واقعاً موجود، مجدداً روی پا ایستاده است، مورد بررسی موشکافانه و دقیق قرار گیرد.

ما بعنوان بخشی از اعضا و هواداران جنبش عظیم فدائیان خلق ایران، معتقدیم که هدف واقعی این کتاب، نه رد تئوری جنبش مسلحانه که خود موضوع بحث دیگری است، بلکه هجوم ناچوانمردمانه به شخصیت و اعتبار فدائیان و بخصوص ارائه تحلیل غیر واقعی از این جنبش انقلابی و تحول طلب در مقطع قبل از انقلاب ۵۷، تأثیر گذاری آن در تعمیق انقلاب مردم ایران و در دوره بعد از آن می باشد.

ما بر این باوریم که اعضا، هواداران، بازماندگان، حامیان و ادامه دهندگان راه جنبش فدائیان خلق ایران، نباید تنها به صدور اطلاعیه هائی در رد این کتاب قطور سراپا تحریف، در شرایطی که وزارت اطلاعات هجوم گسترده ای را سازماندهی کرده است، بسنده نمایند. بنظر ما، دفع این حمله اطلاعاتی کثیف و دفاع از یاران مبارز و قهرمان ما، وظیفه جنبش چپ ایران و قبل از همه، وظیفه همه اعضای خانواده بزرگ فدائیان می باشد.

ما اعلام می کنیم که اسناد ارائه شده وزارت اطلاعات در این کتاب، مستند بر اقرار و اعترافات دستکاری شده ای است که فدائیان، در زیر سبناک ترین شکنجه های شکنجه گران حرفه ای آموزش دیده سازمان اطلاعات و امنیت رژیم زور، اطلاعات سوخته خود را برای منحرف کرده مزدوران داده اند و فاقد اعتبار اطلاعاتی، تاریخی و حقوقی می باشد. این کار همان طراحان و شکنجه گران رژیم پیشین است که ، با درآمدن به خدمت قدرتمندان و زورگویان وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی ایران، سعی می

کنند با واقعی نشان دادن آنها، جنگ روانی راه انداخته، اعمال جنایتکارانه خود را، در زیر سایه سردمداران ارتجاع همچنان ادامه می دهند و تمامی اعمال غیر انسانی و کین توزانه آنها، در سیاه ترین صفحات تاریخ میهن ما ثبت است.

شیوه تاریخ نگاری رژیم جمهوری اسلامی ایران و سران مزور آن، پدیده ای سنتی است و در طول تاریخ، وسیعاً رواج داشته است. این شیوه تاریخ نویسی، یک جنگ تبلیغاتی - روانی است برعلیه نسل های آینده که، با قدرتمند نشان دادن حاکمان و ضعیف نمایاندن مبارزان و بمنظور پاشیدن بذر ناامیدی در جامعه، بکار گرفته می شود. حال آنکه، هم سببیت و جنایتکاریهای حاکمان و هم فداکاریها و قهرمانیهای مبارزان را تاریخ فراموش نکرده است و نخواهد کرد. مبارزان فدائی نیز از زمره همان قهرمانانی هستند که، نام پر افتخار خود را در تاریخ میهن ما، در قلبهای کارگران و زحمتکشان ثبت کرده اند و مزوران و حيله گران رژیم اسلامی ایران، از خدشه دار کردن آن عاجزند!

در اینجا، ما فقط اشاره کوتاهی به دو موضوع خواهیم کرد و دیدگاه جامع و اساسی خود در مورد کلیت کتاب را، در آینده با ارائه فاکتورهای مشخص منتشر خواهیم کرد.

جنبش سیاهکل که در ارتفاعات شمال ایران به یک حماسه تبدیل شد، در آغاز کتاب مورد کنکاش قرار گرفته است. ارتش با هماهنگی نیروهای وزارت اطلاعات، مزدوران کمیته مشترک با کمک هلیکوپترهای ارتش، به ارتفاعات منطقه سیاهکل حمله کردند تا به قول همین "کتاب"، با چهار - پنج چریک باقی مانده، به نبرد بپردازند. این هجوم وحشیانه و پر قدرت ارتش که با هلیکوپتر پشتیبانی میشد، امروز به نتیجه نرسید.

نویسندگان «کتاب چریک های فدائی خلق»، سعی می کنند تا عدم موفقیت مزدوران و ارتش شاه را با تاریخ شدن هوا، پناه گرفتن چهار چریک فدائی در پشت تخته سنگی که گویا، برای ارتش مزدور شاهنشاهی قابل تشخیص نبوده است و با این احتمال که آن تخته سنگ، دهانه غاری است و چریکها بدانجا پناه برده اند، توجیه می کنند. در این جا باید به نکته بسیار مهمی اشاره کرد و آن اینکه، ارتشی با آن قدرت و مجهز به وسایل پیشرفته نظامی با پشتیبانی هلیکوپترهای مجهز به نورافکنهای قوی، قادر به تمیز دادن یک تخته سنگ با دهنه غار نبودند!! فرض بر این باشد که هلیکوپترها به علت کمی سوخت، به پایگاه های خود برگشتند، آیا ارتش تا دندان مسلح شاهنشاهی از پیدا کردن یک چراغ قوه هم عاجز بود؟ البته که مردم، این مزخرفات ارگانهای اطلاعاتی ایران را باور نمی کنند.

آری! آتش پر قدرت چریک ها از ادامه پیشروی ارتش ممانعت بعمل می آورد.

بحث ما نه اثبات تئوری جنبش مسلحانه سالهای آخر دهه ۴۰، بلکه گفتمان حقیقتی است که این جنبش را به مقطع انقلاب ۵۷ رساند. تأثیر شگرف مبارزه همان چهار چریک باقی مانده و حماسه سیاهکل را در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، در حمله به پادگان نیروی هوایی دیدیم. **همان چریکهایی که با بازوبند سفید چریک فدائی خلق، سوار بر موتورسیکلتها در پیشاپیش جمعیت، افتخارآفرین فریاد میزدند: «ایران را سراسر سیاهکل می کنیم» و فریاد مردمی را که می گفتند: «رهبران، مارا مسلح کنید!»، هرگز فراموش نخواهیم کرد و همچنین گلو پاره کردن آن ملایانی را فراموش نمی کنیم که با بلندگوهای خود، از بالای هر بلندی در خیابانها فریاد می زدند: «امام دستور جهاد نداده است! مردم به خانه برگردید!» و بعدها موقعیت های کلیدی را در دست گرفتند. راستی جنگ شروع شده بود و چریکهای فدائی در خیابانها، در میدانی نبرد، در کنار مردم بودند و ملایان برای حفظ ارتش سرمایه، با امرای ارتش به دادوستد و چانه زنی مشغول.**

تمامی گفتمان در کتاب منتشره وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، برای انکار این واقعیت موجود است. آری جنبش سیاهکل و تداوم فداکاریهای چریکهای فدائی خلق، تأثیر خود را بر روند انقلاب و پیروزی آن گذاشت. مردم بعدها دیدند که چهار چریک باقی مانده از سال ۵۵ (به قول مورخان شکست خوردگان)

چگونه توانستند، هزاران هزار هوادار فدائی را به دور خود جمع کنند تا آنجا که حتی، در دورافتاده ترین نقاط ایران، اسم چریک فدائی با احترام یاد می شد و نیرو بخش مبارزان بود. آیا در سرزمین پهناور ایران، جایی را سراغ دارید که این جنبش، یک عضو و یا هواداری نداشته باشد؟

همان نیروهای سرکوبگر وزارت اطلاعات و کمیته مشترک شاهنشاهی، بعد از انقلاب به نظام جمهوری اسلامی پیوستند و به اعمال وحشیانه، سرکوب، کشتار و شکنجه گری خود در نظام جمهوری اسلامی ادامه دادند. مگر زندانها پر از کمونسیتها نبودند و نیستند؟ مگر شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی پایان پذیرفته است؟ اذیت و آزار خانواده های قربانیان جنایتکارهای رژیمهای شاه و شیخ، توسط مزدوران سرمایه، چگونه به فراموشی سپرده خواهد شد؟ امروز حتی، برگزاری یک مراسم ساده و یاد جانباختگان و قربانیان جنایتکارهای رژیم، همان وحشتی را که به دل شاه می انداخت، به دل سران آن می اندازد.

شما در هر کجا که ایستاده اید، بیاستید ولی، این مسلم است که قدرت شما پایدار نخواهد ماند. شما فکر می کنید که مردم فراموش خواهند کرد چگونه و با چه نیرویی به ساختمان دو طبقه ای واقع در مهرآباد جنوبی، نبش کوچه ای که رفیق کبیر حمید اشرف هم در آنجا حضور داشت، حمله شد. ساختمانی که با سنگهای مرمر تزئین شده بود، توسط آتش مرگبار مزدوران به نابودی کشیده شد. استفاده از مواد آتشناز و انهدام بخشی از منزل توسط نارنجک ها جنگی را فراموش کرده اید؟ ساعتها بود قلب چریکها در یک نبرد ناعادلانه نمی تپید ولی، اصابت گلوله ها پایانی نداشت. آری! هر تصویری از انقلاب ۵۷، بدون حضور نیروهای فدائیان، تحریف تاریخ است.

دروغ و تحریفی بیشرمانه تر و گستاخانه تر از این نمی توان سراغ داشت که نوشته اید: «فرزندان شایگان ها به دست رفیق حمید اشرف کشته شدند...»، اینگونه تحریفها فقط برانزده نیروهای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سران مکار و حيله گر آن است که حتی، ساواک شاه از گفتن آن شرم داشت ولی، عوامل رژیم اسلامی به زبان می آورند. **شما که هزاران هزار شایگانها را به دستور خمینی کشتید و مخفیانه در گودالهای بزرگ، در زیر خروارها خاک مدفون ساختید، آیا آن جرتقیل هائی را که، برای به دار آویختن هزاران جوان شریف این مرزو بوم بکار گرفتید، فراموش کرده اید؟ شکنجه و تجاوز به زندانیان سیاسی زن در قاموس کدام رژیم، بجز نظام جمهوری اسلامی ایران می کنند؟ تا کنون، چند هزار را کشتید و چه تعداد انسان را زند بگور کرده اید؟**

افسوس و هزاران تاسف که از آن خانه و از آن چریکها کسی باقی نمانده است تا در مقابل بیشمرمی غیرقابل توصیف شما، بپرسد که اگر فرزندان شایگانها (دانه و جوانه) را حمید اشرف به گلوله بست، پس آن گلوله هائی که از بدن آن دو کودک خارج شد، متعلق به کدام اسلحه بود؟ شما اطلاعاتیهای گستاخ و بی حیا، شما مزدوران ملایان مزور و کلاش، در آنجا که می نویسید: رفیق کبیر، حمید اشرف، همزمان با سه اسلحه به طرف کودکان شلیک کرد، چه شباهتی با انسان و چه سهمی از انسانیت دارید؟ شما ساواکی دیروزی که به چشم خود ندیدید، سند و مدرکی هم در تأیید این ادعای سخیفتان ندارید، پس، همه دوازده گلوله را شناسایی کنید! همه شما، بازماندگان همان کمیته مشترک و ساواکی های شاهنشاهی هستید که، بجای کلاه، عمامه بر سر دارید و یا مزدوران عمامه بسران رباکار هستید!

ما افتخار می کنیم که از نسل فدائیان، از باقیماندگان، از پیروان و ادامه دهندگان راه آن فدائیان قهرمانی هستیم که جانهای عزیز و پاکشان را در راه رهائی خلق از زیر ستم سرمایه، در راه رهائی از نیرنگ و حقه بازیهای رژیم پلید شاهنشاهی، خرافه پرستیها و موهوم ستائیهای رژیم متحجر ملایان و در راه برقراری عدالت اجتماعی فدا کردند. نظام های سرمایه را قهر انقلابی مردم سرنگون می کند و شما و جعلیات شما، آینده دیگری ندارید. رسوائی سرنوشت محتوم شما جاعلین و تحریفگران تاریخ است ننگ و نفرین ابدی بشریت، سهم به حق تان!